

فصلنامه علمی کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی

سال بیست و پنجم، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۶۲، صفحات ۷۳-۹۸

DOI: [10.29252/KAVOSH.2024.20847.3501](https://doi.org/10.29252/KAVOSH.2024.20847.3501)

منابع اشعار سرگردانِ متن نزهة العقول فی لطایف الفصول *

(مقاله پژوهشی)

دکتر امین یعقوبی^۱

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان

دکتر محمدرضا روزبه

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان

دکتر صفیه مرادخانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان

دکتر علی نوری

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان

چکیده

نزهة العقول اثر محمد عوفی، مشحون از ابیات و اشعاری است که بدون نام شاعر به متن راه یافته‌اند. این متن، چهل فصل دارد که مؤلف آن در هر فصلی، متناسب با حکایات، ابیات و اشعاری در قالب‌های مختلف آورده است. پژوهش حاضر با تکیه بر شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی این اشعار پرداخته است. در این متن، نود و هفت بار از شعر استفاده شده که قالب رباعی پربسامدترین قالب شعری به کار رفته در آن است. در نزهة العقول: از سی و چهار رباعی، بیست و هشت تک‌بیت، شانزده قطعه، یازده مثنوی و هشت بار از ابیاتی متناسب با قالب‌های قصیده و غزل استفاده شده است. از این نود و هفت شعر مورد استفاده، منبع یا منابعی برای سی و چهار شعر پیدا شد؛ از سنایی، خاقانی و نظامی به دفعات استفاده شده و از شاعرانی چون: عین‌القضات همدانی، معین‌الدین اصف، سیدحسن غزنوی، باباافضل کاشانی و ... اشعاری ذکر شده است. در اغلب اشعار به کار رفته در متن نزهة العقول، اختلاف‌هایی با نسخه‌های چاپی دیوان شاعران وجود دارد. ضمن اینکه در انتساب بعضی از اشعار به کار رفته، تنازع وجود دارد که نزهة العقول در این زمینه یاری‌دهنده است. واژه‌های کلیدی: نزهة العقول فی لطایف الفصول، عوفی، منابع اشعار، نثر قرن هفتم.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: amin.yaghubi1984@gmail.com

۱- مقدمه

نزهة العقول فی لطایف الفصول متنی است متعلق به ابوطاهر محمد بن محمد یحیی العوفی. از این متن تنها یک نسخه در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۹۰۸۴ وجود دارد که نخستین بار ایرج افشار و جواد بشری آن را تصحیح کرده‌اند. در ارتباط با حدود تاریخی متن، ایرج افشار بر آن است که «از قرن هشتم دورتر نیست» (افشار، ۱۳۹۰: چهارده). علی صفری آق‌قلعه، متن را از عوفی صاحب جوامع‌الحکایات می‌داند. او معتقد است که با توجه به نزدیکی نام نویسنده و اشتراکات متن نزهة العقول و جوامع‌الحکایات، صاحب هر دو متن یکی است (ن.ک.: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴). روزبه و همکاران در مقاله‌ای نسبت به این ادعا تردید دارند (ن.ک.: روزبه و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴۳-۳۴۰). متن نزهة العقول شامل دیباچه‌ای است کوتاه که در یک صفحه کتابت شده است. در دیباچه متن ذکر شده که کتاب برای رضای خدا نوشته و به کسی تقدیم نشده است. به دنبال آن چهل فصل در بیان مسائل عرفانی آمده که در هر کدام از آن‌ها حکایت یا حکایاتی متناسب با موضوع ذکر شده است.

۱-۱- بیان مسأله

استفاده از اشعار، ویژگی آشکار متون فنی است؛ نزهة العقول نیز نثری است فنی که به فراخور متن، از اشعار متناسب با آن استفاده شده است. ایرج افشار در مقدمه تصحیح این متن، در ارتباط با نام شاعران، به این جمله اکتفا می‌کند که: «مؤلف در اشعاری که نقل کرده نگفته است از کیست و اگر بعضی از آنها از خود او باشد، باز ساکت است» (افشار، ۱۳۹۰: شانزده). او در یکی دو مورد انگشت‌شمار، در اثنای تصحیح متن به منبع آن‌ها اشاره کرده، اما در اکثر موارد، نامی از شاعر یا منبع شعر نبرده است. در دو موضع علی صفری آق‌قلعه در مقاله‌ای کوتاه، به صاحب اشعار اشاره کرده است. (ن.ک.: صفری

آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۳). اگرچه اشعار به کار رفته در این نثر فراوان است، اما در پژوهش حاضر از اشعاری یاد می‌شود که منبع یا منابعی برای آن‌ها پیدا شده است. همچنین اختلاف شعرهای به کار رفته در متن با دیوان‌های شاعران یا منابع دیگر، در بخش یادداشت‌ها ذکر می‌شود.

۱-۲- ضرورت پژوهش

بی‌شک یکی از کارهای ارزشمند در باب اشعار به کار رفته در متون نثر، اثر ارزشمند علی صفری آق‌قلعه با عنوان اشعار فارسی پراکنده در متون فارسی (تا سال ۷۰۰ هجری) است. با این حال در بسیاری از موارد، تنها به ذکر اشعار و متونی که اشعار در آن به کار رفته، اکتفا کرده است. او خود به این مهم تصریح دارد که در بسیاری از ابیات، نام سرایندگان آن ذکر نشده است: «این آگاهی در صورتی درج شده که در متن مأخذ، به نام سراینده یا نام اثر (یا هر دو) تصریح شده باشد» (ن.ک.: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵: بیست و پنج). مقاله حاضر کوشیده است تا به بررسی منابع اشعار به کار رفته در متن نزهة العقول و اختلاف آن‌ها با دیوان‌های چاپی شاعران بپردازد که این امر در تصحیح بعضی از ابیات یاری‌دهنده است. دیگر این که تلاش شده است تا در ضمن بیان این منابع، به بررسی انتساب بعضی از اشعار و اختلاف نظرهایی که درباره آن‌ها وجود دارد، بپردازد.

۱-۳- پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش مزبور، علی صفری آق‌قلعه در مقاله‌ای با عنوان «نزهة العقول اثری دیگر از مؤلف جوامع الحکایات» (۱۳۹۰) ضمن یکی دانستن صاحب نزهة العقول فی لطایف

الفصول و محمد عوفی صاحب جوامع‌الحکایات به ضرورت تصحیح مجدد این اثر اشاره کرده است.

هم‌چنین دو مقاله در زمینه سبک‌شناسی و آسیب‌های تصحیحی این متن به چاپ رسیده است. محمدرضا روزبه و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تصحیح نزهة‌العقول فی لطایف‌الفصول ابوطاهر محمدبن محمد یحیی عوفی» (۱۴۰۰) به بررسی آسیب‌های تصحیح پیشین پرداخته است. روزبه و همکاران در مقاله‌ای دیگر با عنوان «سبک‌شناسی نزهة‌العقول فی لطایف‌الفصول و تردید در انتساب آن به صاحب جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات» (۱۴۰۲) به بررسی ویژگی‌های سبکی متن پرداخته است. نیز در بخشی جداگانه از همین مقاله انتساب متن نزهة‌العقول به صاحب جوامع‌الحکایات مورد تردید واقع شده است.

۲- بحث و بررسی

در این بخش ابیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرند که برای آن‌ها منبع یا منابعی به دست آمده است؛ این ابیات ذکر می‌شوند و اختلاف آن‌ها با دیوان‌های شاعران در بخش یادداشت‌ها می‌آیند. هم‌چنین در مواردی که در انتسابشان به دو شاعر اختلاف نظر وجود دارد، بحث‌ها و استدلال‌های لازم آورده می‌شود.

۲-۱- سنایی غزنوی

سنایی غزنوی (سده ششم) از جمله شاعرانی است که اشعار او در بخش‌های مختلف، مورد استفاده صاحب نزهة‌العقول قرار گرفته است؛ این اشعار از دیوان سنایی و حدیقة‌الحقیقه به دست آمد. دو بیت در فصل دوم نزهة‌العقول به کار رفته که آبشخور این

دو بیت، دیوان سنایی غزنوی است (ن.ک.: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۴۸۵ و ۴۸۶). بین این دو بیت و دیوان چاپی سنایی، اختلافات اندکی نیز به چشم می‌آید:

ماهها باید که تا یک پنبه دانه ز آب^۱ و گل قرطه^۲ گردد عاشقی را یا امیری را کفن^۳
 سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
 (عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷)

بیت دیگری از دیوان سنایی (ن.ک.: سنایی، ۱۳۸۵: ۱۷۹ و ن.ک.: صفری آق‌قلعه، ۱/۱۳۹۵: ۵۵۹) در نزهة العقول در دو فصل جداگانه به کار رفته است؛ یک‌بار در فصل

بیست و نهم با عنوان فی العزلة و یک‌بار در فصل بیست و ششم با عنوان فی القناعة:
 کسی که عزت عزلت^۴ نیافت هیچ نیافت کسی که ملک^۵ قناعت ندید هیچ ندید
 (عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۷ و ۱۹۵)

در بخش دیگری از متن نزهة العقول، بیتی از دیوان سنایی (ن.ک.: سنایی، ۱۳۸۵: ۱۹۸) به کار رفته است؛ از این بیت در فصل بیست و نهم با اختلافات جزئی نسبت به نزهة العقول یاد شده است:

کلبه‌های کاندرو نخواهی^۶ ماند سال عمرت چه ده^۷، چه صد، چه هزار
 (عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۶)

در فصل سی و هفتم، دو بیت عربی آمده است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۰: ۲۴۱)، که در ترجمه‌ای که صاحب نزهة العقول برای این دو بیت آورده، ابیات سنایی غزنوی (ن.ک.: سنایی، ۱۳۸۵: ۱۰۸۸) را ذکر کرده است؛ قطعه مزبور هیچ تغییری نسبت به دیوان سنایی ندارد:

هر که چون کاغد^۸ و قلم باشد دو زیان و دو روی گاه سخن
 همچو کاغد سیاه کن رویش چون قلم گردنش به تیغ بزن
 (عوفی، ۱۳۹۰: ۲۴۱)

عباس بگ‌جانی در تصحیحش بر دیوان سیدحسن غزنوی، این قطعه را با اختلافات جزئی به او نسبت داده است (ن.ک.: غزنوی، ۱۳۹۷: ۳۱۲). قطعه مزبور در تصحیح مدرس رضوی نیامده است.

در فصل بیست و یکم *نزهة العقول*، سه بیت از مثنوی *حديقة الحقیقه* (ن.ک.: سنایی، ۱۳۷۷: ۵۷۲) آمده است؛ درست این سه بیت در میانه حکایتی در *جوامع الحکایات* (عوفی، ۱۳۹۴: ۲۷۲) نیز ذکر شده است. ابیات مزبور در *نزهة العقول* چنین آمده است:

ابلهی داد خـیـره دشنامش^۹ گشت خامش ز گفته^{۱۰} خامش
گفت ازین گفت او چه آزارم آنچه گفت او نگفته انگارم
گر چنانم، بشویم^{۱۱} آن از خود و نهام با بدی چه بد گوید
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

صاحب *نزهة العقول* در فصل هفدهم نیز از تکبیتی از *حديقة الحقیقه* (ن.ک.: سنایی، ۱۳۷۷: ۷۳) یاد می‌کند؛ تکبیتی که در دیباچه حدیقه آمده است. این بیت بدون اختلاف با حدیقه، در *نزهة العقول* ذکر شده است:

هر که او تخم کاهلی کارد کاهلی کافریش بار آرد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

در آغاز فصل سی و سوم *نزهة العقول* نیز تکبیتی آمده که در انتساب آن اختلاف نظر وجود دارد. بیتی از قصیده‌ای بلند؛ مدرس‌رضوی بر آن است که: «این قصیده به عبدالواسع جبلی که از معاصرین سنایی است نیز نسبت داده شده و در همه نسخه‌های دیوان او که به نظر نگارنده رسیده، موجود است و با نبودن در بیشتر از نسخه‌های دیوان سنایی، سبک و اسلوب قصیده هم دلیل است که از آن سنایی نیست» (سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۴۸). از نظر تاریخی و با توجه به کاربرد اشعار و ابیاتی از شاعران معاصر با عبدالواسع در متن *نزهة العقول*، با قطعیت نمی‌توان این موضوع را رد کرد؛ اما می‌توان این احتمال را داد که با توجه به استفاده فراوان عوفی از اشعار سنایی، انتساب این

قصیده هم به او بعید نباشد. بیت مطلع قصیده که در دو متن نزهة العقول و جوامع الحکایات به کار رفته، چنین است:

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا وز هر دو نام ماند چو سیمرخ و کیمیا
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۱۲)

در فصل بیست و چهارم نزهة العقول، دو بیت از حدیقة الحقیقه به کار رفته است؛ این دو بیت، در سندبادنامه ظهیری سمرقندی (ن.ک.: ظهیری سمرقندی، ۱۳۳۳: ۱۴۹) نیز بدون اختلاف آمده و دو بیت مزبور، این است:

گیـــــرم ار مویها زبان گردد بر زبان صلا ز جان گردد
تا بدان شکر حق فزون گویم شکر توفیق شکر چون گویم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۶۴)

۲-۲- خاقانی

اشعار خاقانی شروانی، شاعر سده ششم هجری در چند فصل مورد استفاده عوفی قرار گرفته است. صفری آق قلعه از جمله کسانی است که به استفاده عوفی از تحفة العراقین اشاره کرده است (ن.ک.: صفری آق قلعه، ۱۳۹۰: ۱۳). بر مبنای عادت مؤلف اثر، تمامی این استفاده‌ها بدون ذکر نام شاعر اتفاق افتاده است. در فصل دوازدهم دو بیت از تحفة العراقین خاقانی ذکر شده است. این دو بیت علاوه بر نزهة العقول در جوامع الحکایات (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۴: ۴) نیز مورد استفاده قرار گرفته است؛ البته بیت‌های مزبور نسبت به تحفة العراقین و جوامع الحکایات با اختلافاتی اندک آمده است که این اختلافات در بخش یادداشت‌های متن ذکر می‌شود:

عدل ار نه مهندسى نمـــــودی این گنبد نیلگون^{۱۲} نبودی
ور^{۱۳} خاک، نه آب عدل خوردی گل گنبد آتشین^{۱۴} نکردی
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۶۴)

دیگر بار تحفةالعراقین خاقانی مورد استفاده صاحب نزهةالعقول بوده است؛ در فصل بیستم هم، دو بیت دیگر از این کتاب آمده است که این دو بیت اختلاف اندکی با تحفةالعراقین دارد:

قومی همه جامعان معنی دلشان همه جا «معان» معنی
جمعی همه سالکان عصمت جانشان همه سال کان دولت
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۳۵)

آبشخور این ابیات تحفةالعراقین خاقانی است (ن.ک.: خاقانی، ۱۳۸۷: ۹۸). همچنین این دو بیت در لباب‌الالباب با جابه‌جایی قافیه در بیت دوم آمده است:

قومی همه جامعان معنی دلشان همه جا «معان» معنی
جمعی همه سالکان دولت جانشان همه سال کان عصمت
(عوفی، ۱۳۹۱: ۲۴)

صاحب متن نزهةالعقول دو بیت دیگر را از خاقانی در فصل بیست و هشتم کتاب به کار برده است (ن.ک.: خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۱۰). دو بیت:

نپذیرد ز کس حوالت رزق که ضمان دار رزق یزدان است
مور را روزی از سلیمان نیست که نه روزی دهش^{۱۵} سلیمان است
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۳)

این دو بیت در جوامع‌الحکایات نیز بدون نام سراینده مورد استفاده قرار گرفته است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۴: ۲۲۸). همچنین در فصل سی و پنجم نزهةالعقول نیز بیتی از خاقانی مورد استفاده عوفی قرار گرفته است (ن.ک.: خاقانی، ۱۳۷۵: ۶۶۶). آن بیت این است:

گر چوب بریشم زن، خفته‌ست چو کرم قز از بانگ قنینه‌وش^{۱۶} بیدار بصبح اندر
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۲۹)

در فصل نهم نزهةالعقول هم بیتی از خاقانی (ن.ک.: خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۸۹) بدون اختلاف با دیوان چاپی آن آمده است:

عشق توم^{۱۷} پوستین گر بدرد گو بدر سوخته گرمرو تا چه کند پوستین
(عوفی، ۱۳۹۰: ۶۳)

همچنین در فصل هشتم، صاحب نزهة العقول تکبیتی از خاقانی را (ن.ک.: خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۷۸) با اختلافاتی جزئی ذکر کرده است:

زر دو حرف افتاد^{۱۸} با هم هر دو را پیوند نی پس چرا^{۱۹} پیوند سازد با دل یکنای من
(عوفی، ۱۳۹۰: ۵۸)

۳-۲- نظامی

عوفی از اشعار نظامی، شاعر سده ششم، در کتاب نزهة العقول به تکرار استفاده کرده است. در فصل چهلم نزهة العقول، دو بیت بدون نام سراینده ذکر شده، که در لباب اللباب نیز بیت نخست و بیتی دیگر بدون ذکر نام شاعر و در رثای ابونصر هبة الله الفارسی (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۱: ۷۶ و ۷۷) آمده است؛ پس از جستجو مشخص گردید دو بیت یادشده در خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای نیز ذکر شده است. این دو بیت در نزهة العقول به این شکل آمده است:

دهد، بستاند و عاری ندارد بجز داد و ستد کاری ندارد
به صد نوبت دهد حالی^{۲۰} به آغاز به یک نوبت ستاند عاقبت باز
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۵۷)

بین دو بیت در منظومه خسرو و شیرین فاصله زیادی است و تفاوتی که در این میان وجود دارد، تقدم بیت دوم بر بیت نخست است (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۴۸۴ و ۴۸۸).

عوفی در نزهة العقول در فصل بیست و سوم نیز تکبیتی از نظامی گنجه‌ای به کار برده است؛ تک بیت بدون ذکر نام شاعر آمده است:

بسا بی‌نا که از زر کور گردد بسا آهن ز زر بی‌زور گردد^{۲۱}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۸)

بیت یادشده از خسرو و شیرین نظامی است (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).

همچنین در فصل بیست و یکم، تک‌بیتی به‌کار رفته که مصراع دومش با بیتی از
نظامی گنجه‌ای (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۴۴) یکسان است:

اگر مردی برو دل در خدا بند سر کیسه ببرگ گندنا بند^{۲۲}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

در فصل نوزدهم نزهة‌العقول سه بیت از نظامی به‌کار رفته است:

اگر آبی بماند در هوا دیر به میل طبع هم راجع شود زیر
ور آتش در زمین جایی نیابد^{۲۳} زمین بشکافد و بالا شتابد
هر آن جوهر که هست او از عدد بیش^{۲۴} همه دارند میل مرکز خویش
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

ابیات یادشده از خسرو و شیرین نظامی است؛ تقدم و تأخر ابیات در خسرو و
شیرین نسبت به این ابیات متفاوت است (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).

در فصل شانزدهم متن نزهة‌العقول، تک‌بیتی دیگر از نظامی نیز به‌کار رفته است:

چون^{۲۵} قدمت شد به یقین استوار گرد ز دریا، نم از آتش، بر آر
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

بیت از مخزن‌الاسرار نظامی است (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۵ الف: ۱۰۴).

در فصل بیست و سوم نزهة‌العقول، سه بیت دیگر از نظامی آمده است:

دو قفل شکر از یاقوت برداشت وزو^{۲۶} یاقوت و شکر قوت برداشت
رطبهایی که سروش بار می‌داد رطب را گوشمال خار می‌داد
ز بس کز دامن لب شکر افشاند شکر دامن به خوزستان بر افشاند^{۲۷}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۹)

ابیات یادشده از خسرو و شیرین نظامی است (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۰۰).

۲-۴- سیدحسن غزنوی

اشرف‌الدین ابو محمد حسن بن محمد حسینی غزنوی (۵۳۵-۵۶۵ ق) متخلص به حسن، شاعر و واعظ سده ششم هجری است. صاحب نزهة العقول از او (غزنوی، ۱۳۶۲: ۳۴۱) یک رباعی آورده است:

يا رب ز تو آنچه من گدا می‌خواهم افزون^{۲۸} ز هزار پادشا می‌خواهم
هرکس به در تو حاجتی می‌خواهند من آمده‌ام از تو ترا^{۲۹} می‌خواهم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۷)

۵-۲- رشیدالدین وطواط

رشیدالدین وطواط، صاحب حدائق السحر فی الدقایق الشعر، شاعر و نویسنده ایرانی در سده ششم و هفتم هجری در یک موضع، مورد استفاده عوفی قرار گرفته است. صاحب نزهة العقول در پایان فصل دوازدهم، دو بیت را از او به کار برده است:

آن خسروان که نام نکو کسب کرده‌اند رفتند و یادگار ازیشان جز آن نماند
نوشیروان اگرچه فراوانش گنج بود جز نام نیک از پس نوشیروان نماند
(عوفی، ۱۳۹۰: ۸۲)

دو بیت از قصیده‌ای از رشیدالدین وطواط است. در دیوان او به فاصله دو بیت، یک بیت دیگر نیز آمده است (ن.ک.: وطواط، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

۲-۶- ادیب صابر

«شهاب‌الدین شرف‌الادبا صابر بن اسماعیل ترمذی از مشاهیر شاعران نیمه اول قرن ششم و مشهور به ادیب صابر است» (صفا، ۱۳۷۱: ۶۴۳). حکایتی در فصل یازدهم نزهة العقول آمده که این حکایت همراه با دو بیت از این ادیب صابر ترمذی است. البته در نزهة العقول ذکری از نام شاعر به میان نیامده است؛ صاحب لباب‌الالباب ضمن اشاره به

حکایت مزبور، این دو بیت را به ادیب صابر ترمذی منتسب می‌داند (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۱: ۳۰۴). و اما دو بیت ادیب صابر در *نزهة العقول* چنین آمده است:

روز می خوردن به دوزخ رفتی ای اخطی ز بزم صد هزاران آفرین بر روز می خوردنت باد
ناگهان رفتی و خلقی زنده گشت از مردنت گرچه اهل لعنتی، رحمت برین مردنت باد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۷۷)

۲-۷- معین‌الدین اصم

عوفی در *لباب‌الالباب*، با لفاظی و بدون ذکر تاریخ مشخص به معرفی معین‌الدین اصم می‌پردازد (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۱: ۸۱). صاحب *نزهة العقول* در پایان فصل سی و چهارم کتاب این قطعه دو بیتی را بدون نام آورده است:

هرچند که کار تو درین گنبد گردان چون قد الف تاب و خم و پیچ ندارد
امروز مکن تکیه برین حرف که فردا معلومت گردد که الف هیچ ندارد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۲۷)

اگرچه صاحب *لباب‌الالباب*، این قطعه را به معین‌الدین اصم منتسب می‌داند (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۱: ۸۲)، اما در دیگر تذکرها انتساب آن محل اختلاف است. اوحدی بلیانی در وصف معین‌الدین اصم با لفظ‌پردازی و استناد به سخنان عوفی که بعضاً با عبارات او در وصف معین‌الدین، یکسان است، قطعه مزبور را به او نسبت می‌دهد (ن.ک.: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۸۳۱). کاظم فتحی نیز در کتاب *گلچینی از گلشن رضوان*، قطعه مورد نظر را از معین‌الدین اصم می‌داند (فتحی، ۱۳۸۲/۵: ۱۱۵).

از تذکرها‌ی متأخر، نخستین بار، صاحب تذکرة «آفتاب عالم‌تاب» قطعه مورد نظر را منتسب به الف ابدال بلخی می‌داند: «مصاحب و ندیم سلطان یعقوب بود. بعد وفات سلطان در خدمت شاه طهماسب صفوی به سر می‌برد. روزی شاه از او پرسید که برای ما چه شعری گفته‌ای [...] از اشعار اوست:

هرچند که کار تو درین گنبد گردان چون قد الف تاب و خم و پیچ ندارد
امروز مکن تکیه برین حرف که فردا معلومت گردد که الف هیچ ندارد
(اختر هوگلی، ۱۳۹۲: ۲۴۳)

صاحب تذکره روز روشن مانند تذکره آفتاب عالمتاب، نیز این قطعه را همراه با
اشکال وزنی به ابدال بلخی منتسب می‌داند:

هرچند کار تو درین گنبد گردان چون قد الف تاب و خم و پیچ ندارد
امروز مکن تکیه برین حرف که فردا معلومت گردد که الف هیچ ندارد
(صبا، ۱۳۴۳: ۷۵)

در این تذکره مصراع اول بیت نخست به همین شکل آمده و وزن معیوب است.
دهخدا نیز در ذیل واژه الف ابدال، شرحی از این شاعر را ارائه می‌دهد و در ادامه با
استناد به تذکره روشن، این قطعه را از ابدال بلخی می‌داند (ن.ک.: دهخدا، ذیل واژه الف
ابدال).

قاطعانه می‌توان گفت که قطعه مزبور از الف ابدال بلخی نیست. چنان‌که گفته شد،
ابدال بلخی، از شاعران دوره صفویه است و احتمالاً به خاطر تخلص شعری‌اش به الف،
به اشتباه این قطعه را به او نسبت داده‌اند. با این حال اقدام تذکره‌ها و معتبرترین آن‌ها؛
یعنی لباب، چند قرن پیش از ابدال بلخی، قطعه مزبور را به معین‌الدین اصم نسبت داده
است.

۲-۸- عین‌القضات همدانی

عین‌القضات همدانی با نام کامل عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی (۵۲۵-۴۹۲
ه.ق) حکیم، نویسنده و شاعر ایرانی است. در فصل بیست و پنجم کتاب نزهة العقول،
عوفی یک قطعه آورده، که در تمهیدات عین‌القضات (ن.ک.: عین‌القضات، ۱۳۷۳: ۲۴۴)
نیز به کار رفته است:

ما بلا بر کسی قضا نکنیم تا ورا نام ز اولیا^{۳۰} نکنیم
این بلا گوهر خزانه ماست ما به هرکس گهر عطا نکنیم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۵)

مصححان کتاب نزهةالعقول با وجود تصحیح نادرست بیت نخست، به شعر
عین‌القضات اشاره کرده‌اند (همان‌جا).

۲-۹- انوری

اوحدالدین محمد بن محمد یا اوحدالدین علی بن اسحق انوری ایبوردی، از شاعران
نامبردار نیمه دوم قرن ششم هجری است که اشعار او در دو موضع مورد استفاده عوفی
قرار گرفته است. صاحب نزهةالعقول در فصل سی و چهارم، تکبیتی آورده است که در
بخش غزلیات دیوان انوری (ن.ک.: انوری، ۱۳۹۴: ۴۶۲) پیدا شد؛ آن تک بیت این است:
کارم به جان رسید^{۳۱} به جانان نمی‌رسم دردم دراز گشت^{۳۲} به درمان نمی‌رسم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۲۶)

همچنین در فصل دهم نزهةالعقول نیز یک قطعه از انوری (ن.ک.: انوری، ۱۳۹۴:
۶۳۰) آمده است. این قطعه اختلافات اندکی با دیوان انوری دارد که در بخش یادداشت‌ها
آمده است:

شب تاریک و ابر تند و باد تیز و بارنده غلاما خیز آتش کن چو^{۳۳} داری هیزم افکنده
که گر بر دید آن آتش، یکی مهمان فراز آید^{۳۴} تو از مال من آزادی که مهمان بهتر از بنده
(عوفی، ۱۳۹۰: ۷۰)

۲-۱۰- یک رباعی مشترک با شرح اخبار کلیله و دمنه

صاحب نزهةالعقول در فصل بیست و ششم یک رباعی به کار برده است که از نام شاعر
آن اطلاعی به دست نیامد، اما این رباعی در منبعی دیگر پیدا شد:

قسمی که ترا رسید کس را ندهند قسم دگری هم به تو عمدا ندهند
خود را چه کنی به غصه جوجو که به جهد کاهی نتوانی ستن تا ندهند
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۹)

این رباعی در کتاب شرح اخبار، ابیات و امثال عربی کلّیله و دمنه آمده است (ن.ک.: اسفزاری و مؤلف ناشناس، ۱۳۸۰: ۳۲۵). در این کتاب نیز رباعی بدون نام شاعر آمده و تنها اختلاف دو روایت در مصراع سوم است که در شرح اخبار، چنین آمده: «خود را چه کنی ز غصه جوجو که به جهد» (همانجا). حدود تاریخی این کتاب تناقضی با حدود تاریخی دیگر اشعار نزهة العقول ندارد. کتاب مزبور شامل دو شرح از فضل الله بن عثمان بن محمد الاسفزاری (تألیف در نیمه قرن هفتم هجری) و مؤلفی ناشناخته (تألیف در سال ۶۲۱ هجری) است.

۲-۱۱- ابیاتی مشترک با متن سندبادنامه

سندبادنامه، کتابی است درباره علم اداره مملکت و رفتار با رعیت در قالب حکایات و قصص که در نیمه اول قرن هفتم هجری، محمد بن علی ظهیری سمرقندی آن را نوشته است. عوفی از این ظهیری، در لباب اللباب یاد کرده، اما نامی از سندبادنامه نبرده است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۱: ۹۰). سه بیت مشترک با نزهة العقول در این کتاب به کار رفته است. یکی از شاعری ناشناس:

نومید مشو اگر چه امید نماند کس در غم روزگار جاوید نماند
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۶)

این بیت عیناً در سندبادنامه آمده است (ن.ک.: ظهیری سمرقندی، ۱۳۳۳: ۹۷). دو بیت دیگر با اختلاف جزئی در سندبادنامه (همان: ۱۴۹) آمده است. به این دو بیت در بخش اشعار سنایی همین پژوهش اشاره شد.

۱۲-۲- ابومحمد بن محمد رشیدی سمرقندی

در میانه فصل شانزدهم نزهةالعقول یک رباعی از ابوبکر احمد الجاجمی، به کار رفته است؛ وی ظاهراً از وزرای عالی رتبه بوده و عوفی، صاحب لباب‌الالباب، از او سخن گفته است؛ رباعی با اختلافی اندک در لباب‌الالباب ذکر شده است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). به اختلاف‌ها در بخش یادداشت‌ها اشاره شده است. رباعی در نزهةالعقول چنین آمده است:

گردی که به راه از سم اسب تو بخواست گر سرمه دیده‌ای کند^{۳۵} چرخ رواست
مر کهتر^{۳۶} خویش را تفقد کردی عذر قدمت هم کرم‌ت داند خواست
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۱۱ و ۱۱۲)

۱۳-۲- اسدی طوسی

قدیمی‌ترین شاعری که شعرش مورد استفاده صاحب نزهةالعقول قرار گرفته، اسدی طوسی است: «حکیم ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی از شاعران بزرگ قرن پنجم و از جمله حماسه‌سرایان معروف ایرانست» (صفا، ۱۳۷۱: ۴۰۳). از اسدی طوسی (ن.ک.: اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۲۴) در فصل چهاردهم نزهةالعقول تکبیتی آمده است که اختلافات اندکی نسبت به بیت گرشاسب‌نامه دارد:

دو زلفش همه^{۳۷} جیم و در جیم دال لبش میم و از مشک بر میم خال^{۳۸}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۹۱)

۱۴-۲- بابا افضل کاشانی

افضل‌الدین کاشانی ملقب به بابا افضل مرقی معروف به بابا افضل کاشی یا بابا افضل کاشانی: «همه‌جا به لقب خویش معروف است و در هر کتابی که ذکری از او رفته او را به عنوان افضل‌الدین کاشانی نام برده‌اند و در عرف زبان فارسی به بابا افضل مشهور

است» (نفیسی، ۱۳۱۱: ۴). بر مبنای فرضیات نفیسی او را باید شاعر اواخر قرن ششم و هفتم بدانیم: «چون ولادت وی را در سال ۵۸۲ یا ۵۹۲ بحدسی که پیش از این زده شد، بینگاریم تا سال ۶۵۴ یا ۶۶۴ زنده بوده است و رحلت وی پس از این تاریخ روی داده» (همان: ۳۲). آنچه برای این پژوهش قابل اعتنا و مهم است، محدوده تاریخی زندگی اوست که به قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم برمی گردد. به هر روی، دو رباعی در نزهة العقول به کار رفته که در مجموعه رباعیات بابا افضل کاشانی پیدا شد: یک^{۳۹}:

ناگاه به نــــــزد مــــــرد آگاه آید رو خانه بروب شاه ناگاه آید
خرگاه وجود خویش^{۴۰} را خالی کن چون خالی شد^{۴۱} شاه به خرگاه آید
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۸)

دو^{۴۲}:

آخر به ترازو نگر ای نااستاد^{۴۳} کان سنگ و زرش چگونه تعلیمی داد^{۴۴}
آن سر که کم آمد ببلندی برسید وان سر که گران^{۴۵} گشت به پستی افتاد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

۲-۱۵- مجدالدین احمد بن محمد ابی بدیل سجاوندی

از بدیل سجاوندی در لباب اللباب (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۱: ۲۱۷) سخن به میان آمده است؛ در لباب اللباب چنان که مرسوم است بیشتر لفاظی و قلم پردازی صورت گرفته و درباره تاریخ زندگانی او سخنی گفته نشده است. بیشتر وصف حال اوست. به هر روی، صاحب نزهة العقول در فصل ششم، یک رباعی بدون نام شاعر به کار برده که این رباعی در لباب اللباب در ذیل اشعار بدیل سجاوندی (ن.ک.: همان: ۲۱۸) آمده است:

یک روز بهی کن، همه بد نتوان کرد کس را به بدی مطیع خود نتوان کرد
در هر بدی ای، بدی مدد نتوان کرد این بی ادبی تا به ابد نتوان کرد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۴۷)

۳- نتیجه‌گیری

در نثر نزهةالعقول نود و هفت بار از شعر استفاده شده است؛ سی و چهار رباعی، بیست و هشت تک بیت، شانزده قطعه، یازده مثنوی و هشت مرتبه از قالب‌هایی متناسب با غزل و قصیده. در سی و چهار موضع از این اشعار، منبع یا منابعی به دست آمد. تمامی این منابع به قبل از قرن هفتم برمی‌گردند؛ بیشترین استفاده‌ها از سنایی، نظامی، خاقانی و بابا افضل کاشانی است. از شاعرانی چون: عین‌القضات همدانی، معین‌الدین اصف، سیدحسن غزنوی، بدیل سجاوندی و ... بدون ذکر نام آن‌ها استفاده شده است. قدیمی‌ترین شاعری که از او در نزهةالعقول شعر آمده، اسدی توسی است که تکبیتی از گرشاسب‌نامه را ذکر کرده است. مابقی شاعران مورد نظر مؤلف، در یک دوره تاریخی می‌زیسته‌اند؛ همه این شاعران در حدود نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم زندگی می‌کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان اذعان داشت که مؤلف متن نباید فراتر از قرن هفتم زیسته باشد. در انتساب برخی از اشعار، اختلاف نظر وجود داشت که در ضمن پژوهش، این انتساب‌ها بررسی شد؛ بر این مبنا، انتساب یک قطعه به معین‌الدین اصف، نسبت به ابدال بلخی، ارجحیت دارد. ضمن این که در تصحیح یک رباعی از بابا افضل کاشانی، که سعید نفیسی از تصحیح مصراع نخست آن سر باز زده بود، متن نزهةالعقول، یاری‌دهنده است.

یادداشت‌ها

۱. نسخه نزهةالعقول: از آب. افشار قیاساً «ز آب» تصحیح کرده است (عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷).
- سنایی: ز آب (ن.ک.: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۴۸۵ و ۴۸۶).
۲. در حاشیه: ظ: فوته (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷).
۳. در حاشیه متن چنین آمده است: عاشقی را حله گردد یا شهیدی را کفن (همان‌جا).

۴. در فصل بیست و ششم، «راحت عزلت» آمده است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). دیوان سنایی: عزت عزلت. نسخه بدلی که راحت عزلت برای بیت سنایی داشته باشد، ذکر نشده است (ن.ک.: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).
۵. در فصل بیست و ششم، عز قناعت آمده است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). دیوان سنایی: روی قناعت. در دیوان سنایی، نسخه بدلی برای عز قناعت یا ملک قناعت ذکر نشده است (ن.ک.: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).
۶. متن: نخواهم. در دیوان سنایی «نخواهی» آمده است. افشار با ذکر «نخواهم» در پاورقی، قیاساً «نخواهی» تصحیح کرده است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).
۷. متن: دو. در دیوان سنایی «ده» آمده است (ن.ک.: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۱۹۸). افشار با ذکر «دو» در پاورقی، قیاساً ده تصحیح کرده است (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).
۸. در نزهة العقول به دال آمده است (عوفی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).
۹. در حدیقه چنین آمده است: که سفیهی چو داد دشنامش (ن.ک.: سنایی، ۱۳۷۷: ۵۷۲).
۱۰. حدیقه: گفتن (همان‌جا).
۱۱. متن: بشنویم. در حدیقه (همان‌جا) و جوامع الحکایات (عوفی، ۱۳۹۴: ۲۷۲): بشویم.
۱۲. تحفة العراقین (ن.ک.: خاقانی، ۱۳۸۷: ۹۸) و جوامع الحکایات (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۴: ۴): آبگون.
۱۳. جوامع الحکایات: در.
۱۴. جوامع الحکایات: آتشی.
۱۵. در متن، در این موضع، «نه» آمده است که با توجه به وزن و محتوا، خطای آن واضح است. در دیوان خاقانی (ن.ک.: خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۱۰) و جوامع (عوفی، ۱۳۹۴: ۲۲۸) به این گونه آمده است: که ز روزی ده سلیمان است.
۱۶. دیوان خاقانی: قنینه‌ش کن.
۱۷. متن: + گر.
۱۸. دیوان خاقانی: + و.
۱۹. دیوان خاقانی: کجا.

۲۰. خسرو و شیرین: جانی.
۲۱. در خسرو و شیرین، مصراع دوم چنین آمده است: بس آهن کاو به زر بی زور گردد (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).
۲۲. مصراع دوم از خسرو و شیرین نظامی است:
- بزرگی بایدت دل در سخا بند سر کیسه به بند گندنا بند (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۴۴).
۲۳. این مصراع در خسرو و شیرین چنین است: گر آتش در زمین منفذ نیابد (ن.ک.: نظامی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).
۲۴. مصراع در خسرو و شیرین چنین است: هر آن گوهر که هستند از عدد بیش (ن.ک.: همان‌جا).
۲۵. مخزن: گر.
۲۶. اصل: وازو. در خسرو و شیرین «وزآن» آمده است.
۲۷. اصل: وازو. در خسرو و شیرین «وزآن» آمده است.
۲۸. در نسخه بدل‌های دیوان سیدحسن غزنوی، افسوس آمده است (ن.ک.: غزنوی، ۱۳۶۸: ۳۴۱).
۲۹. در نسخه بدل‌های دیوان سیدحسن غزنوی، مرا آمده است (ن.ک.: همان).
۳۰. در تصحیح افشار به‌جای «ز اولیا»، «روایا» آمده است! (ن.ک.: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). در نسخه خطی اگرچه چندان خوانا نیست، اما زولیا آمده است (ن.ک.: عوفی، بی تا: ۱۱۴). در تمهیدات نیز ز اولیا آمده است (ن.ک.: عین‌القضات، ۱۳۷۳: ۲۴۴).
۳۱. دیوان انوری: + و.
۳۲. دیوان انوری: دردم ز حد گذشت.
۳۳. دیوان انوری: که.
۳۴. دیوان انوری: اگر از دود آن آتش ترا مهمان فراز آید.
۳۵. لب‌الب‌الباب: دیده کندش.
۳۶. لب‌الب‌الباب: بنده.
۳۷. گرشاسب‌نامه: بهم. (ن.ک.: اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۲۴)

۳۸. مصراع دوم چنین آمده است: دهن میم و بر میم از مشک خال (ن.ک.: همان: ۲۲۴).
۳۹. رباعی در مجموعه رباعیات باباافضل کاشانی آمده است (ن.ک.: کاشانی، ۱۳۱۱: ۱۳۴). بیت دوم این رباعی با اختلافی جزئی به مولانا جلال‌الدین بلخی (ن.ک.: مولوی، ۱۳۸۴: ۱۳۸۸) هم نسبت داده شده است. با توجه به حدود تاریخی نزهة العقول، انتساب آن به مولانا بعید به نظر می‌رسد.
۴۰. بابا افضل: خود.
۴۱. بابا افضل: پاک شوی.
۴۲. این رباعی در مجموعه رباعیات بابا افضل کاشانی آمده است (ن.ک.: کاشانی، ۱۳۱۱: ۱۱۵).
۴۳. سعید نفیسی مصراع اول را ناخوانا دانسته است و چنین آورده: آخر سر ازو مکر ای با استاد! (ن.ک.: همان‌جا).
۴۴. مصراع دوم در رباعیات بابا افضل چنین آمده است: کاندر روش خویش چه تعلیمت داد (ن.ک.: همان‌جا).
۴۵. بابا افضل: فزون (ن.ک.: همان‌جا).

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اختر هوگلی، قاضی محمدصادق خان (۱۳۹۲)، آفتاب عالم‌تاب، تصحیح مرضیه بیگوردی، یوسف بیگ باباپور تهران: نشر سفیر اردهال.
۲. اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۵۴)، گرشاسب‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: کتابخانه طهوری.
۳. الاسفزاری، فضل‌الله بن عثمان و مؤلف ناشناس (۱۳۸۰)، شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کليلة و دمنه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از بهروز ایمانی، تهران: سخن.
۴. انوری، محمدبن محمد (۱۳۹۴)، دیوان انوری، با مقدمه سعید نفیسی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.

۵. اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد حسینی (۱۳۸۹)، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران: میراث مکتوب، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. خاقانی، بدیل‌بن علی (۱۳۸۷)، تحفه‌العراقین، به کوشش علی صفری آق‌قلعه، تهران: میراث مکتوب.
۷. _____ (۱۳۷۵)، دیوان خاقانی، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
۹. سنایی غزنوی، ابومجد مجدودبن آدم (۱۳۸۵)، دیوان اشعار، به سعی و اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: سنایی.
۱۰. _____ (۱۳۷۷)، حدیقه‌الحقیقه، تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. صبا، محمد مظفرحسین (۱۳۴۳)، تذکره روز روشن، تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
۱۲. صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۵)، اشعار فارسی پراکنده در متون (تا سال ۷۰۰ هجری)، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، چاپ یازدهم.
۱۴. ظهیری سمرقندی، محمدبن علی بن محمد (۱۳۳۳)، سندبادنامه، تهران: کتابفروشی ابن سینا و خاور.
۱۵. عوفی، محمد (۱۳۹۱)، لب‌الب‌الباب، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.
۱۶. _____ (۱۳۹۴)، جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات، تصحیح و مقابله امیربانو مصفا (کریمی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

۱۷. عوفی، محمد بن محمد (۱۳۹۰)، نزهة العقول فی لطایف الفصول، تصحیح ایرج افشار، با یاری جواد بشری، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
۱۸. غزنوی، سیدحسن (۱۳۶۲)، دیوان اشعار، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۹. _____ (۱۳۹۷)، دیوان سیدحسن غزنوی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات عباس بگجانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۰. فتحی، کاظم (۱۳۸۲)، گلچینی از گلشن رضوان، تهران: انسان.
۲۱. کاشانی، بابا افضل (۱۳۱۱)، رباعیات باباافضل کاشانی، تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران.
۲۲. مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۸۴)، کلیات دیوان شمس تبریزی، بر اساس نسخه تصحیح‌شده فروزانفر، تهران: شقایق.
۲۳. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۵)، کلیات خمسه نظامی، تصحیح حسن وحیددستگردی، تهران: طلوع.
۲۴. _____ (۱۳۸۵)، مخزن‌الاسرار، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
۲۵. _____ (۱۳۸۶)، خسرو و شیرین، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.
۲۶. وطواط، رشیدالدین (۱۳۸۹)، دیوان رشیدالدین وطواط، مقدمه، مقابله و تصحیح سعید نفیسی، تهران: اساطیر.
۲۷. همدانی، عین‌القضات (۱۳۷۳)، تمهیدات، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق عفیف عسیران، تهران: منوچهری.

ب) مقالات

۱. صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۰)، «نزهة‌العقول اثری دیگر از مؤلف جوامع‌الحکایات»، گزارش میراث، شماره ۴۶، صص ۱۳-۱۴.
۲. یعقوبی، امین؛ محمد‌رضا روزبه؛ صفیه مرادخانی و علی نوری (۱۴۰۰)، «آسیب‌شناسی تصحیح نزهة‌العقول فی لطایف‌الفصول ابوطاهر محمد بن محمد یحیی عوفی»، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۳۳-۴۷.
۳. یعقوبی، امین؛ محمد‌رضا روزبه؛ صفیه مرادخانی و علی نوری (۱۴۰۲)، «سبک‌شناسی نزهة‌العقول فی لطایف‌الفصول و تردید در انتساب آن به صاحب جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات»، نشر پژوهی ادب فارسی، دوره ۲۶، شماره ۵۳، صص ۳۱۵-۳۴۶.

ج) نسخه خطی

۱. عوفی، محمد بن محمد (بی‌تا)، نزهة‌العقول فی لطایف‌الفصول، شماره ۹۰۸۴، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.

Reference List in English

Books

- Al-Isfizari, F. & Anonymous (2001). *Commentary on news, verses and Arabic proverbs of Kalila and Demna* (B. Imani, Ed.), Sokhan. [in Persian]
- Anvari, M. (2014). *Diwan* (S. Nafisi, Intro., & P. Babaei, Ed.), Negah. [in Persian]
- Asadi Tousi, A. (1975). *Garshasbnameh* (H. Yaghmaei, Ed.), Tahuri Library. [in Persian]
- Aufi, M. (2011). *Nozhat ul-Oqul fi Lataif el-Fusul* (I. Afshar, & J. Bashari, Eds.), BonyadE Moughufat Mahmoud Afshar. [in Persian]
- Aufi, M. (2012). *Lobab al-albab* (A. Alizadeh, Ed.), Ferdous. [in Persian]
- Aufi, M. (2014). *Javame ol-hekayat va lavame ul-ravayat* (A. Mosfa (Karimi), Ed.), Bonyade Farhange Iran. [in Persian]

- Akhtar Hooghly, M. S. (2013). *Aftab Alamtab* (M. Beigverdi, Ed.), Nashre Safir Ardehal. [in Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dictionary*, 2nd edition, Tehran University Press. [in Persian]
- Fathi, K. (2003). *An anthology of Gulshan Rizvan*, Ensan. [in Persian]
- Ghaznavi, S. (1983). *Divan of Poems* (M. T. Modares Razavi, Ed.), Asatir. [in Persian]
- Ghaznavi, S. (2017). *Seyyed Hassan Ghaznavi's Diwan* (A. Bagjani, Ed.), Library, Museum and Document Center of IRAN Parliament. [in Persian]
- Hamedani, E. (2010). *Tamhidat* (A. Asiran, Ed.), Manouchehri. [in Persian]
- Kashani, B. A. (1932). *Baba Afzal Kashani's robaeiat* (S. Nafisi, Ed.), Library of Tehran University. [in Persian]
- Khaqani, B. (1996). *Diwan* (M. J. Kazzazi, Ed.), Nashre Markaz. [in Persian]
- Khaqani, B. (2008). *Tohfah ol-Iraqin* (A. Safari Aq Qala, Ed.), Miras maktoub. [in Persian]
- Maulavi, J. (2005). *The Generalities of Diwan Shams Tabrizi* (based on B. Forozanfar, Ed.), Shaghaigh. [in Persian]
- Nizami, E. (2006). *Makhzan al-Asrar* (H. Vahid Dastgerdi, Ed.; S. Hamidian), Nashre Qathreh. [in Persian]
- Nizami, E. (2007). *Khosrow va Shirin* (B. Servatian, Ed.), Amirkabir. [in Persian]
- Nizami, E. (2006). *The Generalities Khamse Nizami* (H. Vahid Dastgerdi, Ed.), Tolou. [in Persian]
- Ohadi Belyani, T. M. (2010). *Arafat ol-Asheghin and Arsat ol-Arifin* (Z. Sahebkhari & A. Fakhr Ahmad, Eds., M. Ghahraman, Sci. Supv.), Miras maktoub; Library, Museum and Document Center of IRAN Parliament. [in Persian]
- Saba, M. M. H. (1964). *Tazkare Rooh Roshan* (M. H. Roknzadeh Adamiyat, Ed.), Razi Library. [in Persian]
- Safari Aq Qala, A. (2015). *Persian poems scattered in texts (until 700 A.H.)*, Dr. M. Afshar & Sokhan. [in Persian]
- Safa, Z. (1992). *History of Literature in Iran* (Volume 2.), Ferdows Publications, 11th edition. [in Persian]
- Sanaei Ghaznavi, A. (1998). *Hadiqhat ol-Haqhiqhat* (M. T. Modares Razavi, Ed.), Tehran University Press. [in Persian]
- Sanaei Ghaznavi, A. (2006). *Divan of Poems* (M. T. Modares Razavi, Ed.), Sanaei. [in Persian]
- Vatvat, R. (2010). *Diwan of Rashid al-Din Vatvat* (S. Nafisi, Ed.), Asatir. [in Persian]

Zahiri Samarqandi, M. (1954). *Sanbadnameh*, Ibn Sina and Khawar bookstore. [in Persian]

Journals

Safari Aq Qala, A. (2011). Nozhat-ul-Oqul, another work by the author of Javame ul-Hekayat, *Gozareh e miraas*, 46, 13-14. [in Persian]

Yaghoubi, A., Roozbeh, M. R., Moradkhani, S., & Noori, A. (2021). Analysis of the Correction of Nuzhat Al-Oghul Fi Latifa Al-Fosol of Abu Tahir Muhammad Bin Muhammad Yahya Aufi. *Textual Criticism of Persian Literature*, 13(3), 33-47. doi: 10.22108/rpl.2021.127943.1866 [in Persian]

Yaghoubi, A., Roozbeh, M., Moradkhani, S., & Noori, A. (2023). The Stylistics of Noz'hat-ul-Oqul fi Lataif el-Fusul and Uncertainty about Attributing It to the Author of the Jawame ul-Hikayat va Lavame ul-Ravayat. *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, 26(53), 315-346. doi: 10.22103/jll.2023.21312.3056 [in Persian]

Manuscript

Aufi, M. (n.d.). *Nozhat ul-Oqul fi Lataif el-Fusul*, No. 9084, Ayatollah Marashi Najafi Library, Qom. [in Persian]